هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

سرمقاله

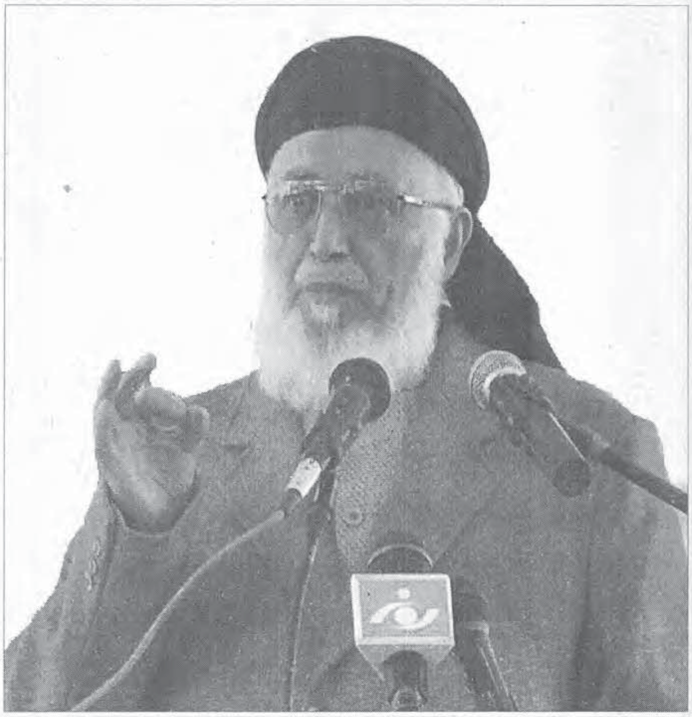
مراسم سوگند اوباما و درسی برای ما

ص۲

یک سال پس از خاموشی ضیاء قاریزاده.

ص۴

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ سی وچهارم شنبه ۵ دلو ۱۳۸۷– ۲۷ محرم ۱۴۳۰ –
24 January 2009



استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در مراسم فراغت دانشجویان دانشکدهٔ شرعیات:

جامعه را انسان های معتقد، با دانش و با ایمان می سازد

***

جهان متمدن در برابر یکی از جنایات بزرگ قرن (کشتار اهالی غزه) خاموشی اختیار کرده است

***

شما محصلان پاسداران هویت ملی کشورمان هستید

نخبگان افغانستان نامه یی را در محکومیت حملهٔ اسرائیل بر غزه امضا کردند

روز ۲۸ جدی شماری از نخبگان افغانستان در هوتل گلزاد کابل گردهم آمده و به مناسبت حملات وحشیانه اسرائیل بر غزه نامه سرگشاده یی را در پایان آن گردهمایی شکوهمند امضا کردند.

آقای ناصرشفیق که گردانندگی آن محفل را برعهده داشت ضمن خیرمقدم به حاضران، هدف از گردهمایی را بیان داشته و از استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت دعوت به عمل آورد تا بیانیه یی را ایراد کند.

استاد دربیانیه اش مبارزه برحق ملت مظلوم، صبورجهادگر ومقاوم فلسطین را ستوده وجنایت جنایتگران صهیونیست را شدیداً تقبیح نمود و یاد آور شد که حمله برغزه و مردم بی دفاع آن حمله بر آزادگی وانسانیت است و آنانی که از دفاع و مبارزه برحق و آزادگان غزه دفاع می نمایند، در حقیقت از آزادگی انسانیت دفاع می کنند.

استاد از چاویز رئیس جمهور ونزویلا و رئیس جمهور بولویا به صفت دو انسان آزاده که ضمیر و وجدان بیدار دارند ستایش به عمل آورد.

انجینر احمدشاه احمدزی رهبر حزب اقتدار اسلامی افغانستان، عبدالهادی ارغندیوال رهبر حزب اسلامی افغانستان، حجت الاسلام فاضل زاده هریک جهاد ملت مبارز فلسطین به ویژه از مجاهدت، مقاومت و پیکارحماس در جنگ نا برابر با ارتش صهیونیستی تقدیر نمودند.در پایان آقای واقف حکیمی نامه سرگشاده یی را که نخبگانه افغانستان قصد دارند آن را امضا کنند به حاضران قرائت کردکه مورد تایید اکثریت قاطع حاضران قرارگرفت.

درنامه آمده است:

اسرائیل در حال حاضر بی اعتنا به اخلاق انسانی، مقررات بین المللی و هشدار سازمان های جهانی با شدت تمام به قتل و کشتار مردم فلسطین می پردازد و همه نیک می بینند که دست ایالات متحدهٔ امریکا و انگلیسی در تایید از این رژیم قرار دارد. به سخن دیگر این همه خشونت توام با خیره سری و لجاجت اسرائیل در سایه و پناه حمایت امریکا وانگلیس صورت می پذیرد. اسرائیل تاریخ مشعون از ظلم وجنایت دارد و اقدامات پسین آن کشور تنها پروندهٔ جنایات آن را ضخیم تر ساخته است.

ادامه درص۵

دولت آقای کرزی تحت شدید ترین انتقادات قرار دارد

احمد مهدی

آقای کرزی که در هفت سال گذشته مورد حمایت بی دریغ امریکا، ناتو و جامعهٔ جهانی قرار داشت، در واقع تحت تأثیر این حمایت خارجی عرصه و زمینهٔ محدودی برای انتخاب مردم افغانستان و بازتاب ارادهٔ آزاد آن ها به جا مانده بود.

دلبستگی و اتکای آقای کرزی بیشتر بر حمایت خارجی بود تا بر حمایت شهروندان افغانستان، حمایت خارجی باعث شد تا آقای کرزی توجه کمتری به تقویت و اصلاح حکومت خویش معطوف نماید، او نیازی برای مشارکت گروه های مختلف جامعه در اقتدار و کسب حمایت آنها احساس نمی کرد.

در نتیجه حکومت افغانستان نتوانست در برابر چالش های مانند فساد، بی ظرفیتی، قبیله گرایی و خویشاوند پرستی مقاومت کند و فساد و کم کاری در تار و پود آن ریشه دوانید.

چندی است که به نظر می رسد خارجیان حمایت گذشتهٔ خویش را از آقای کرزی پس گرفتند و انتقادات شدیدی علیه وی مطرح می کنند.

ادامه درص۶

آغاز چهارمین سال تقنینی پارلمان افغانستان



مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ١٣٥٧ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ٠٧٠٢٨٥١٣٩ و ٠٧٠٨٨٢٧٨٩٠
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

مراسم سوگند اوباما و درسی برای ما

مراسم سوگند باراک حسین اوباما به عنوان چهل وچهارمین رئیس جمهور ایالات متحدهٔ امریکا، با آن استقبال گسترده در امریکا و آن توجهی فراوان در دیگر نقاط دنیا، یکی از صحنه های بیاد ماندنی درتاریخ امریکا و رویداد مهم جهان حساب می شود.

انتخاب اوباما به عنوان رئیس جمهور امریکا که پدرش از کشور افریقایی کینیا جهت تحصیل وکار به امریکا رفت و با مادر اوباما ازدواج کرد، نشانی روشنی از پختگی سیاسی جامعه امریکا دارد.

شهروندان امریکا بدون توجه به رنگ، دودمان و تبار اوباما، به افکار و طرح های او رای دادند و مصالح علیای کشور خویش را برگزیدند.

این یک موقف امریکاییان، جای دارد به عنوان یک ارزش سیاسی و حکومت داری در کشورهای دیگر جهان که هنوزهم لازم می دانند رئیس جمهور را از میان اکثریت نژادی انتخاب کنند، مورد پیروی قراربگیرد.

دین اسلام که مردم ما شرف پیروی آن را دارند، اموزه های متعالی در زمینهٔ گزینش زمامدار و حکومت دارد. اسلام در ارزیابی اشخاص، بر ارزش های دینی و انسانی ارج می نهد و مسلمانان را از رفتن به سوی گرایش های تباری، زبانی و دیگر تمایزات ظاهری برحذرمی دارد. قرآن کریم با صراحت می گوید بهترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین تان است.

اما درکشور ما بر خلاف آن ارزش های والای دینی، ویژگی های تباری و زبانی است که بیشتر محک سنجش افراد و معیار تصمیم گیری سیاسی قرار می گیرد.

جا دارد آن هایی که چشم به سوی ارزش های دیگر جوامع انسانی دوخته اند، برای پیروی از این ارزش انتخابات در امریکا همت کنند، که می تواند انتظار دین را در زمینهٔ انتخاب زمامدار نیز برآورده سازد.

اکنون که ما در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی قرار داریم. باید با پیروی از ارزش های دینی و با درس گیری از تجربه های غنی دیگران، در این گزینش مصالح جمعی را معتبر بدانیم، به نفع برابری و برادری شهروندان افغانستان و برتری انسانی و اخلاقی رأی بدهیم و این ارزش ها را با ترازوی ناجور تبار و زبان نسنجیم.

هستند کسانی که درکشور ما بر نژادگرایی چشم دوخته اند و با دو روی ارزش های غربی را نیز با محک کژ اندیشه های خویش داوری می کنند.

تقویت مردم سالاری وحکومت داری درافغانستان نیازمند ان است که، زمامداران مصالح علیای جامعه رابرتداوم اقتدار و منافع شخصی و قبیله یی ترجیح بدهند.

متاسفانه تاهنوز از رهبران حکومت افغانستان چنین پختگی دیده نشده است، همه سیاست ها و طرح ها گروه حاکم برای انتخاب شدن مجدد و ادامه اقتدار برنامه ریزی شده است، راه کارهایی برای استراتیژی ماندن.



آغاز چهارمین سال تقنینی شورای ملی

هابیل

شورای ملی افغانستان وارد چهارمین و آخرین سال تقنینی خویش گردید. این شورا سه سالی را که فراز و فرودهای زیادی داشت پشت سرگذاشت. هرچند این آرزو که شورای ملی بتواند در آخرین سال کاری خویش عملکرد و دست و آوردهای متفاوت و متمایزی داشته باشد، شاید آرزوی بلند پروازانه یی باشد. اما با آن هم یک سال زمان کوتاهی نیست، در صورتی که شورای ملی صمیمانه بخواهد به کارنامهٔ سه سال خویش نگاه منتقدانه بیندازد و ناکامی ها و نارسایی های خویش را باز خوانی نموده، آن را اصلاح کند و پهلوی های مثبت کارنامهٔ خویش را تقویت نماید، می تواند یک سال مانده را پربار سازد و حسن ختامی بگرداند برای کارنامهٔ خویش.

شورای ملی افغانستان در سه سال گذشته در مواردی دست آوردهایی داشته و در موارد زیاد دیگر متأسفانه نتوانست به آرزوهای مردم افغانستان جامهٔ عمل بپوشاند.

برخی از نارسایی ها و ناکامی های شورای ملی ناشی از ضعف ساختاری نظام افغانستان و قانون اساسی بوده و برخی دیگر ریشه در ضعف های خود شواری ملی دارد.

مهمترین ضعف شورای ملی عدم شکل گیری و تبارز موضع گیری های فراگیر ملی در این شورا است، عامل این ضعف هم نظام و قانون اساسی افغانستان است و هم نهاد شورا. نظام و قانون اساسی افغانستان عملاً جلو شکل گیری احزاب و جریان های سیاسی را می گیرد. کارکرد احزاب در یک جامعه این است که این نهادهای سیاسی می توانند راه کارها و طرح هایی در زمینه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تدوین کنند، و کار انتخاب بهترین طرح و راه کار را برای جامعه آسان تر سازند.

تقویت احزاب سیاسی، نمایانگر نیرومندی و توسعه و پویایی در یک جامعه می باشد. در چنین جامعه مردم طرح ها و سیاست ها را انتخاب می کنند نه افراد را. افراد و شخصیت ها از روی طرح ها و راه حل هایی که برای دشواری های جامعه پیشنهاد می کنند، ارزیابی می شوند.

اگرچه در شورای ملی افغانستان مخصوصاً مجلس نمایندگان، در سال های گذشته چندین گروه پارلمانی اعلان موجودیت کرد، اما این گروه ها نتوانستند، انسجام و هماهنگی لازم برای یک گروه سیاسی و یا پارلمانی را کسب کنند و طرح ها و سیاست های منسجم و سازنده ارائه نمایند.

به علت آن که قانون اساسی افغانستان از حقوق احزاب در شورای ملی حمایت نمی کند، احزاب موفق نشدند، اعضا و یا هواداران خویش در شورا را سازمان دهی کنند.

عامل دیگر نارسایی های شورای ملی امتیاز خواهی و دلالی شماری از نمایندگان است. این عده که شمار شان شاید زیاد نباشد به جای توجه به وظایف تقنینی و نظارتی خویش به دنبال کسب منافع سیاسی، مالی و شغلی می باشند، آنها

> **گرایش های تباری و زبانی و منطقه یی عامل دیگر نارسایی های شورای ملی است، برخی از نمایندگان در مسایل ملی و قانونگذاری به دنبال تحقق هدف های تبعیض آمیز تباری، زبانی و منطقه یی هستند، این گرایش منفی باعث گردیده است آن ها در تصویب قوانین و نظارت بر دولت مانع تبارز رویکرد ملی در شورا گردند**

با استفاده از عضویت در پارلمان، در صدد امتیاز گیری از رئیس جمهور، وزرا و سایر مقام های حکومتی هستند، شماری از آن ها توانستند برای اعضای خانواده و خویشاوندان خویش بست های دولتی را به دست آورند. چنین استفاده های نادرست از عضویت در پارلمان، این نمایندگان را به حکومت و وزرا وابسته نموده، به نمایندگان حکومت تبدیل کرده است

گرایش های تباری و زبانی و منطقه یی عامل دیگر نارسایی های شورای ملی است، برخی از نمایندگان در مسایل ملی و قانونگذاری به دنبال تحقق هدف های تبعیض آمیز تباری، زبانی و منطقه یی هستند، این گرایش منفی باعث گردیده است آن ها در تصویب قوانین و نظارت بر دولت مانع تبارز رویکرد ملی در شورا گردند

ضعف های مسلکی شماری از نمایندگان و جوان بودن و کم تجربگی شورای ملی هم در نارسایی شورا تأثیر مهم داشته است. شورا نشان داد که در برنامه ریزی و تشخیص اولویت ها، موفقیت قابل توجه نداشته است. برخی از قوانین که دارای اولویت و اهمیت بیشتر بوده از تصویب بازماند و قوانین دارای اولویت ثانوی به تصویب رسید. برخی قوانین دیگر پس از تصویب به توشیح رئیس جمهور فرستاده شده اما توشیح نشده و برگشته است، اما مجدداً مورد بررسی شورا قرار نگرفته. برخی قوانین دیگر که بار دوم تصویب شده و باید به مرحلهٔ تطبیق گذاشته شود، از سوی حکومت اجرا نمی شود، اما پارلمان واکنشی در برابر آن نشان نداد، قانون رسانه ها یکی از آن ها است.

نباید فراموش کرد که حکومت نیز در مواردی برای تضعیف شورا کوشیده و صلاحیت های آن را محدود کرده است.

حکومت خواسته است خود را در برابر پارلمان نیرومند جلوه دهد، این کار به تضعیف شورا و در عین حال به تضعیف حکومت انجامیده است. چون تضعیف صلاحیت نظارتی و تقنینی شورای ملی، عدم پابندی به قانون و شیوع فساد اداری و در مجموع ضعف دولت افغانستان را به دنبال می آورد.

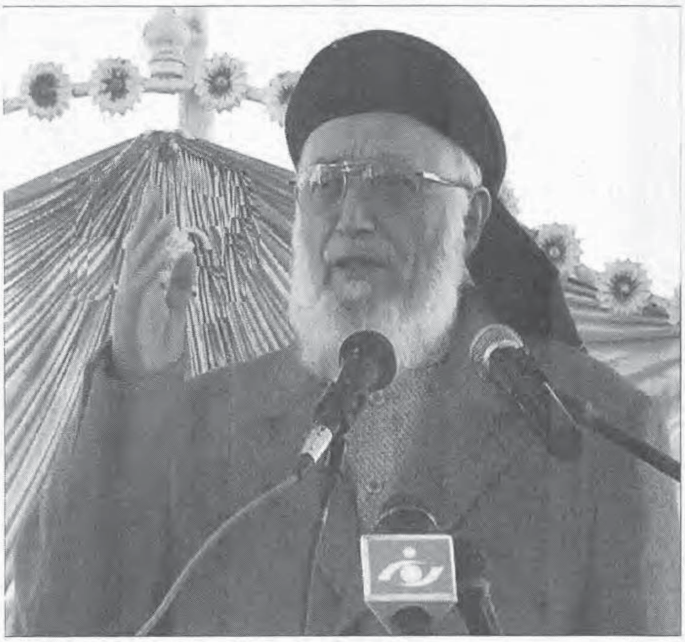
حکومت و شورای ملی باید بدانند هر دو، رکن های اصلی و مهم دولت و نظام افغانستان را تشکیل می دهند، ضعف هر یکی، ضعف کلی دولت و نظام است و نیرومندی یکی به مفهوم نیرومندی دولت افغانستان است.

اکنون که حکومت افغانستان به عنوان حکومت ضعیف و فاسد ارزیابی می شود، این بدنامی دامن شورای ملی را نیز لکه دار می سازد. شورای ملی نمی تواند مسؤولیت ضعف و فساد حکومت افغانستان را کاملاً از شانه هایش دور اندازد. چون اصلاح و تقویت حکومت از طریق ساختن قانون و نظارت بر اجراآت حکومت وظیفهٔ اصلی شورای ملی است. ناکامی و فساد حکومت افغانستان، در پهلوی آن که ضعف و ناکامی مدیران اجرایی کشور را به اثبات می رساند، ناکامی شورای ملی را نیز برجسته می سازد.

در سال چهارم و پسین اگر شورای ملی کارنامهٔ فعال تر و مؤثر تری به نمایش بگذارد و بر اساس منافع ملی تصمیم بگیرد و اشتباهات سه سال گذشته را تکرار نکند.

این به سود نمایندگان و مردم خواهد بود

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی یکی از آزمون هایی است که شورا در آخرین سال کاری خویش در برابر آن قرار گرفته است.مسوولیت تاریخی شورای ملی است که در زمینهٔ برگزاری شفاف این انتخابات و تطبیق قانون اساسی مؤثریت خویش را به اثبات برساند.



استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان در مراسم فراغت دانشجویان دانشکدهٔ شرعیات:

جامعه را انسان های معتقد، با دانش و با ایمان می سازد

***

جهان متمدن در برابر یکی از جنایات بزرگ قرن (کشتار اهالی غزه) خاموشی اختیار کرده است

***

شما محصلان پاسداران هویت ملی کشورمان هستید

دانشجویان عزیز نخست فراغت را به شما، به پدر و مادر و نزدیکان شما مبارک باد می گویم و از خداوند جل وجلاله پس از فراغت برای شما موفقیت های زیاد خواهانم، دیروز دغدغهٔ شما در دوران تحصیل کامیابی و موفقیت درسی بود که این دغدغه ها خاص خود شما بود. اما امروز بعد از فراغت جامعه و مردم منتظر هستند که در صحنهٔ کار و عمل چه پیروزی هایی به دست می آورید و برای آنها چه کاری انجام می دهید؟

امیدوار هستم دراین مرحله نیز کامیابی و پیروزی نصیب شما شود.

در جهان معاصر برای ملت هایی که دچار جهل و فقر دانش هستند جایگاه مطلوبی درمیان ملت ها نیست. ملت هایی از جایگاه بلند برخوردار هستند که با دانش و فرهنگ خود را مسلح بسازند. این جاست که باید همه ما به خصوص نسل جوان و تحصیل کردهٔ ما علم دوستی را به عنوان یک فرهنگ زندگی برای ملت خود عرضه نماییم.

شما به یاد داشته باشید که ما وارث فرهنگ غنی هستیم، در دوره هایی که جهان در ظلمت جهل و عقب ماندگی به سر می برد، بزرگترین دست آورد های دانش بشری در میان مسلمانان آفریده شد. به علتی که نیاکان ما علم دوست بودند، از یک دانشمند و دوستان او در آخرین لحظات زندگی اش، داستانی برای تان حکایت می کنم، شما از این داستان می دانید که گذشتگان ما به علم و دانش چه علاقه داشتند. البیرونی نه تنها در میان جوامع اسلامی و شرقی بلکه درمیان دانشمندان مغرب زمین هم از شهرت رفیع و جایگاه بلند برخوردار است. در ارتباط به او می نویسند که در آخرین لحظات زندگی اش جمعی ازدوستان و اعضای خانوادهٔ او به بالینش آمدند، در حالی که او آخرین نفس های خود را می کشید و جهان فانی را وداع می گفت، کسانی که در آن جمع حضور داشتند، روی مسأله یی از علم میراث گفتگو می کردند به نتیجه نمی رسیدند. در لحظه یی که "بیرونی کمی به هوش آمد متوجه شد که آنها روی یک موضوع علمی صحبت دارند. در مورد موضوع مورد بحث از آنها پرسید گفتند: شما را آزار نمی دهیم. البیرونی اصرار کرد تا موضوع را با او درمیان بگذارند! گفتند که روی یکی از مسایل پیچیده بحث داشتیم. اما شما حالت تان خوب نیست دیگر برای شما لازم نیست از موضوع میراث چیزی بدانید؟ گفت: می خواهم وقتی به پیشگاه خدا بروم به این موضوع نیز اطلاع داشته باشم.

وقتی یک انسان در آخرین لحظات زندگی قرار گیرد همه حواس او متوجه سرنوشت پس از مرگ خواهد بود اما یک دانشمند مسلمان دغدغه اش این است که در آخرین لحظات زندگیش بیاموزد و یا بیاموزاند. با چنین تفکر ابتکارات بزرگی در حوزهٔ فرهنگی ما به وجود آمد. اما زمانی که علم پروری



ازجوامع ما رخت بر بست این جاست که ما به عنوان یک ملت عقب مانده، ضعیف و فقیر تبدیل شدیم. زیرا رسم پسندیدهٔ گذشتگان خویش را فراموش کرده ایم.

شما جوانان هستید که پا به مرحلهٔ رشد کامل فکری وعقلی گذاشته اید، توصیهٔ من به شما این است با گرفتن این شهادت نامه، دورهٔ تحصیل شما پایان نیافته است، تنها یک مرحله از تحصیلات شما پایان یافته است اما علم چون بحر بیکرانه یی است که هر قدر در آن شنا کنید به کرانهٔ پایان آن نخواهید رسید.

این را پیامبر بزرگ اسلام برای ما توصیه و می فرماید که از گهواره تا گور دانش بجوی، تا آخرین لحظات زندگی به فکر کمال علمی و عقلی خود بوده باشید.

موضوع دیگری را می خواهم برایتان اشاره بکنم که شما که اکنون از دانشگاه فارغ شده اید. باید جایگاه خود را بشناسید که چه رسالتی دارید؟ خداوند درسورهٔ حدید می فرماید: (ولقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه بأس شدید و منافع للناس و لیعلم الله من ینصره و رسله بالغیب ان الله لقوی عزیز) رسالت مهم شما را خداوند جل جلاله با این آیت تشریح می کند: "ما پیامبران خود را با نشانه ها وحجت های آشکار فرستادیم، همرا با ایشان کتاب را فرستادیم و میزان را که با آن در جامعه عدالت را تطبیق کنند فرستادیم.

امتیاز شما جوانان که از شرعیات فارغ شده اید این است که شما علم برداردان رسالت انبیاء هستید، شما کسانی هستید که عدالت را به مردم درس می دهید و برای پیاده نمودن ارزش های عدل در جامعه گام بر می دارید.

یقیناً هر دانشجو و محصل و جوان تحصیل کردهٔ ما در جامعه ارزش دارد، اما شما فارغان شرعیات قطب نمایی در جامعه هستید. اگر مسیر کشتی ها توسط قطب نماها تعیین نشود شاید کشتی ها غرق شود. شما هم در جامعه تان سمت حرکت ملت خود را تعیین می کنید.

شما پاسدار هویت ملی کشورتان هستید. مبنای هویت ملی را چه تشکیل می دهد؟ بدون شک ارزش های دینی تشکیل می دهد، یقیناً جامعهٔ انسانی نیاز به ارزش های دینی دارد، دنیای امروزما با وجود پیشرفت هایی که در دانش معاصر داشت، در یک پرتگاه قرارگرفته است، انسان امروز اگر متوجه ارزش های "...وده یی در زندگی خود نشود که او عبارت از پیوند به ارزش های دینی است .

به این اساس شما باید بدانید که حفظ هویت ملی عبارت از حفظ ارزش های اصیل دینی تان درجامعه است. شما مسؤولیت های بزرگ و عمدهٔ دیگری هم دارید که اکنون فرصت نیست به آن بپردازم اما یقین دارم که شما متوجه آن مسؤولیت ها هستید، امروز چالش های بزرگی درجامعهٔ ما وجود دارد، چالش های علمی، فرهنگی و اخلاقی. قسمی که گفتم امت ما [illegible] دانش

جایگاهی در بین جوامع ندارند. ملت های بادانش جایگاه برازندهٔ دارند. اما قابل ذکر است که علمی بدون ارزش های دینی وانسانی ارزشی ندارد.

به این دلیل که:

علم اگربرسرزند ماری بود
علم اگردردل زند یاری بود

به گفتهٔ مولانا اگر دانش انسانی توسط علم دینی و فرهنگ و ارزش های انسانی کنترول نشود این علم به مثابهٔ یک بلای بزرگ انسان امروز را تهدید می کند. امروز ما درغزه می بینیم که جهان متمدن، در برابر یکی از جنایات بزرگ قرن خاموش نشسته اند. اسرائیل هم کشور پیشرفته است. اما ارزش های اخلاقی و انسانی در آن مرده است انسان هایی که فاقد ارزش ها و اخلاقند، در برابر این قتل عام و این کشتار بی رحمانه طوری ایستاده اند که گویا مسابقهٔ فوتبال را تماشا می کنند. ما می بینیم یکی از مصیبت هایی که دنیای امروزی را تهدید می کند، کارخانه های سلاح سازی است که دنیای به اصطلاح متمدن آن را ساخته اند. صاحبان این کارخانه های سلاح سازی به اسرائیل آمده اند تاقدرت تخریب جنگ افزارهای کشتار جمعی شان را ببینند.

این جنایت بالای کی ها تطبیق می شود؟ بالای کودکان دو ساله، سه ساله و... ده ساله بالای زنان جوانان و سال خوردگان. یک ملت مستضعف. این گونه جنایات وحشیانه دلیلی برای فقر فرهنگی و دینی درمیان جوامع است که با قساوت تمام به کار می برند.جوامع مادی فقط برای به دست آوردن پول می اندیشند هرچند که این کار منجر به کشتار زیادی از انسان ها گردد.

جوانان عزیز می خواهم برای تان بگویم که جامعه با چه چیز ساخته می شود؟ جامعه را تنها پول نمی سازد،سرمایه های مادی نمی سازد، جامعه را انسان ها می سازد، جامعه را انسان های معتقد بادانش با ایمان می سازد. روزی حضرت عمرفاروق به جایی رفته بود که تعدادی از اصحاب پیغمبر نشسته اند، آرزوها ی خود را باهم تبادله می کنند، هرکس را جع به آرزوهای خود حرف می زد، وقتی خلیفه وارد شد، همه خاموش شدند. پرسید: چراخاموش نشسته اید؟ گفتند: ما تمنها وآرزوهای خود را با یکدیگر تها از خلیفه پرسیدند که چه آرزوها دارد؟ خلیفه گفت: بلی من هم آرزو دارم. تمنای من در زندگی این است که شخصیت های مانند ابوعبیده جراح که پیغمبر و از وی به عنوان امین امت یاد کرده است، در نظام ما وجود داشته باشد.

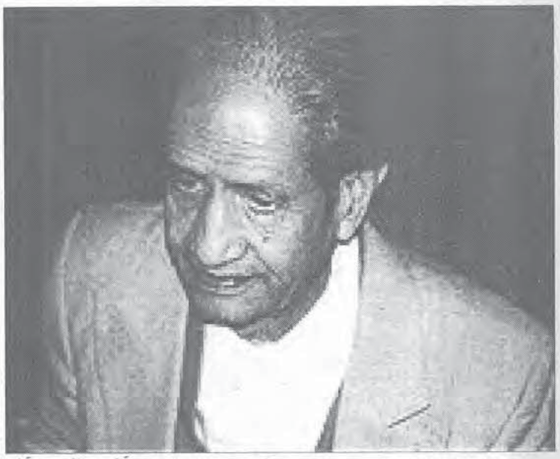
من امیدوارهستم که شماها هم

چنین شخصیت هایی باشید. انسانی که صالح نباشد، اصلاحات را به وجود آورده نمی تواند. ما هر قدر از اصلاح حرف بزنیم این یک شعار است. تا زمانی که آدم صالح نباشد اصلاح به میان نمی آید. بنده های صالح هستند که اصلاحات را در جامعه به میان می آورند. اصلاح فرد، خانواده، جامعه، منجر به اصلاح بشریت می شود. امیدوارم هستم شما شاگردان عزیز به عنوان عناصر صالح و مصلح و گوهرهای بسیار با ارزش جامعه سمت حرکت جامعه را به دست گیرد هویت ملی جامعه تان را حفظ نموده در تعالی و ترقی آن بکوشید. زیرا ملت هایی که دیروز را نداشته باشند امروز و فردا را ندارند. می گویند درعراق کسی بود به نام ابویقظان یعنی آدم بسیارهوشیار، روزی به صحرا رفت و فکر می کرد که نارسایی های جامعه را چگونه اصلاح بکند، در آن صحرای بیکران راه را گم کرده بود، ناگهان کاروانی از دور نمایان شد، از او پرسان کردندکه در این صحرای بی آب و علف چه کار می کنی و کجا می خواهی بروی؟ ابویقظان که حواسش پریشان شده بود، نمی دانست کجا برود! گفت من که نمی دانم از کجا آمده ام طبیعتاً نمی دانم کجا می روم. وقتی ما در جامعه سمت حرکت خود را تعین می کنیم باید بفهمیم که جهت حرکت ما ازکجا آغاز شده است و به کجا می رود.

لذا کسانی که بخواهند با فرهنگ های سیکولر به جامعه سمت و سو بدهند به صحرا گردی می مانند که نمی دانند از کجا آمده اند و به کجا می روند.

اقول قولی هذا واستغفر الله لی ولکم
ولسایر المسلمین
والسلام علیکم ورحمة الله

یک سال پس از خاموشی ضیاء قاریزاده



پوهندوی عبد العلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

ضیاء قاریزاده در دههٔ سی – شصت هجری شمسی از شاعران برجستهٔ کشور بود که اشعار و غزلیات عاشقانه اش در انجمن های ادبی اخبار و مجلات کشور بنشر می رسید، شاعر از طریق این رسانه ها می خواست به شهرت قبلی خویش بیفزاید. ضیاء قاریزاده نه تنها شاعر بود بلکه به موسیقی وقت افغانستان روح تازه بخشیده بود. شاعری که آهنگ مشک سوده را با چنان ظرافت و زیبایی اجرا کرده است که شهرت آن به کشور های دور و نزدیک رسیده است. او آهنگ هایش را تحت نام «کبوتر» در رادیوی افغانستان وقت به باد امواج می سپرد. نخستین گروه هنری از کشور تاجکستان در سال ۱۹۵۸م به کابل آمد، شریف جوره یف آواز خوان پرآوازه تاجیک، شعری از ضیاء قاریزاده را به آهنگ سوده با چنان زیبایی اجرا کرد که ضیاء قاریزاده که در آن محفل حضور داشت جوره یف را به آغوش کشید و گفت که شما به این شعر آهنگ نه؛ بلکه جان بخشیدید، تا این که این آهنگ "مشک سوده" می بارد، ابربهمن کابل، سر آمد آهنگ ها درمیان هنرمندان افغانستانی و تاجیکی گردید. اشعار این آهنگ که از قاریزاده می باشد، هم اکنون به روان هر شنونده جان می بخشد، ابیات این شعر چنین است.

مشک تازه می بارد ابر بهمن کابل
موج تازه می کارد کوه و برزن کابل
ابر چشم تر دارد، سبزه بال و پر دارد
نکهت دیگر دارد، سروسوسن کابل

نقره، هنرمند معروف تاجکستان، آهنگ های بیا تا گل برافشانیم، رفتم از این باغ ، انار دانه ندارد .... را از قاریزاده تقلید و اجراء کرده است.

ضیاء قاریزاده در سال ۱۳۰۱ هجر شمسی در کابل زاده شد، پدرش قاری دوست محمد از فعالان نهضت فرهنگی محسوب می شد که بعد از مرگ امان الله، به اعدام محکوم گردید.

ضیاء قاری زاده بعد از تعلیمات مروجهٔ وقت در "پوهنی ننداری"، "افغان ننداری" به کار هنری پرداخت و تا سطح مشاوریت وزارت فرهنگ وقت ارتقاء یافت. جنگ های سال های نکبت بار کابل، شاعر را از سرزمین اصلیش کوچ داد و او را به سرزمین های دور راند و در انزوای تنهایی قرار داد، او مدتی را در فرانسه گذراند و بعداً به کانادا سپری کرد. تا اینکه در سال پسین، شاعر بینایی اش را از دست داد و نظر به وصیت وی جنازه اش به کابل انتقال یافت و به خاک سپرده شد. ۲۳ جدی سال ۱۳۸۶ هجری شمسی سال روز سوک وتأثر قاریزاده در کشور است. گفته اند که سال ۱۳۸۶ هجری ش برای شعر فارسی دری در افغانستان سال نا میمونی بوده است. نه تنها در این سال نبود ضیاء قاری زاده دوستان شعر دری را به ماتم نشاند؛ بلکه در همین سال رازق فانی، بیرنگ کوه دامنی، استاد کاظم آهنگ، چهره در نقاب خاک کشیدند.

ضیاء قاری زاده مرد دردمند و سوگوار بود، طوری که درد مندی خود را در همین ابیات چنین اظهار می دارد.

دلم را سرسر بسودا گرفته
که در زلف بتان ما وا گرفته
ز بس نا مردمی دیدم ز مردم
دلم از مردم دنیاگرفته

قاریزاده، ۸۵ بهار زندگی را پشت سر گناشت، و پانزده سال این زندگی را در غربت و تنهایی به سربرد.

او شعر غنایی را چنان با تحسر والم سروده است که هر خواننده شعر او، سرنوشت هر انسان را رقم میزند، شاعر در این ابیات گلزار خودرا پس از مرگش چنین توصیه می کند.

به یاد آر ای سرو گلگون عذار
که من مرده باشم و بیاید بهار
به یاد آر ای سرو سیمینه تن
که چون پاگذاری سر خاک من
در آن جا به یاد من ای سرو ناز
توقف کنی لحظه یی چند باز
چو بینی فرو رفته گور بلند
در آن خفته بینی یکی درد مند
سرخاک من ای جفا کار من
به یاد آر از عشق سر شار من
بدین رنگ در گور شادم کنی
که من مرده باشم تو یادم کنی

په پاکستان کې د افغانانو د ځورونې پایلې

همنوا

تولوته جوته ده چې د پاکستان خلکو او حکومتونو د ثور د کرغېړني کودتا نه وروسته و له هغه څخه مخکې مهاجرو او پناه وړونکو افغانانو لپاره خپله غېږ پرانسته او دا لړۍ . له څه توپیرونو سره . تر ننه پورې دوام لري.

د جهاد په دوران کې د پاکستان حکومت خپلو اړوندو چارواکو ته سپارښتنه کړې وه چې د مهاجرینو خیال وساتي او هغوي ته هیڅ ډول تکلیف ونه رسیږي په تیره بیا په کار کولو، او د پاکستان په بېلابېلو سیمو کې د ګرځېدو په اړه کومه پابندي نه وه لګېدلې.

په پاکستان کې افغانانو د نورو هېوادونو په پرتله ډېرې آزادۍ درلودې او لري یې. دوې کولای شي چې کلینیکونه ولري، معاینه خانې خلاصې کړي، ټکسي او ریشکا وچلوي او دکانونه ولري او د کار و بار په بېلابېلو برخو کې په یواځې توګه، یا هم د پاکستانیانو سره په ګډه په تجارت بوخت شي.

نو په دې لړ کې کله نا کله د پولیسو له خوا تنګېدل او ځورېدل. په دې اړه لویه ستونزه د پاکستان پولیس او په تیره بیا د صوبه سرحد او د پېښور د ښار پولیس دي چې د بډې اخیستو لپاره یې تل افغانان ځورول او ځوروي یې. د جهاد په وخت کې هم دا لړۍ روانه وه خو شدت یې کم و. ویل کیږي چې د مجاهدینو له یو مشر څخه شهید جنرال ضیاء الحق پوښتلي ؤ چې څه تکلیف خو نلرئ؟ هغه په ځواب کې د پولیسونه شکایت کړی ؤ چې زموږ افغانان ځوروي او پیسې ترینه اخلي

جنرال په خندا ورته ویلي ؤ چې زموږ له خلکونه پوښتنه وکړئ چې د دوي څه حال دی؟ یعنې پخپله د پاکستان خلک هم له پولیسو څخه شکایتونه لري نو دا یو عام مشکل دی چې ټول ورسره لاس او ګریوان یو!

د پولیسو له خوا د خلکو او په تیره بیا د مهاجرینو د ځورولو پېښې یواځې د یوې صوبې پورې منحصره نه دي. افغانان یواځې په سند ایالت او پنجاب کې نه ځورول کیږي بلکې د پښتنو په سیمو (صوبه سرحد او بلوچستان) کې هم د هغوي د تنګولو کچه زیاته ده.

په پاکستان کې ځیني ګوندونه چې د کمونستي حکومتونو ملاتړي او د شوروي ښکېلاک ملګري ؤ، د مجاهدینو سره یې سخت مخالفت درلود او بلکې جهاد ته یې فساد ویلو! چې د دوي په سرکې د عوامي نشنل ګوند یا "عبدالغفار خان" او د هغه ځوی "عبدالولي خان" د ملاتړو یادول د یادونې وړ دي، مګر دوي هم له ۱۳۷۱ کال راهیسې له مهاجرینو نه ملاتړ کوي او وایي چې افغانان په صوبه سرحد کې پناه ګزین نه دي، بلکې دا دوي خاوه ده ...

اوس له تیرو ټاکنونه وروسته چې په سرحد کې د "عوامي نشنل ګوند" اقتدار ته رسیدلی د حیرانتیا خبره ده چې بیا هم مهاجرین د پولیسو له خوا ځورول کیږي او دا پولیس د هغه حکومت پولیس دی چې افغانانو ته پناه ګزین نه وایي او په ظاهره هغوی ته حق ورکوی چې په پاکستان او په تیره بیا صوبه سرحد کي په آرامه ژوند وکړي!

اوس هم د پېښور د ښار پولیسو هره ورځ د سهار له خوا د جې تې او د سړک هغه څنډه کې ولاړ وي چې افغانان تورخم خواته حرکت کوي او افغانستان ته ورځي، او هره ورځ د مازدیګر په مهال د سړک په بله څنډه کې بیا مورچل نیسي چې افغانان له تورخم نه راځي او د پېښور ښارته داخلیږي!

دوې هر ټیکسي او ریکشاو دروي او له افغانانو څخه د پاسپورت او ویزې پوښتنه کوي! په داسې حال کې هره ورځ په زرګونو افغانان له تورخم نه دې خوا راځي او هغه خواته ورځي خو له هیچا څخه د پاسپورت او ویزې پوښتنه نه کوي!

نو دا تنګول او ځورول ټینګه بنه نلري او بلکې د بډې اخیستلو په موخه دي چې دوې ورته شیریني وایي، ترسره کیږي!

دلته اصلي خبره او سوال دا دی چې دا ځورونې به څه پایلې ولري؟

په دې کې هیڅ شک نشته چې افغانستان او پاکستان د ولسونو او حکومتونو په کچه، دوه اړخیزې دوستۍ او ورورګلوۍ ته اړتیا لري. ډېر دلایل او مصلحتونه شته چې دا دواړه ګاونډي هېوادونه باید یو بل سره ملګري و اوسي او مرسته وکړي. او داسې یوه اړتیا ده چې هیڅ څوک ورڅخه سترګې نشي پټولای! او د دې برعکس دښمنۍ او ترېګنۍ راوړونه ډېرې ستونزې را پیدا کوي او د هغوی د پرمختګ مخه نیسي...

که له یوې خوا په سلګونو زره افغانان په پاکستان کې ژوند کوي، له بلې خوا په سلګونو یا زرګونو پاکستانیان هم په افغانستان کې کار کوي او اکثر یې په ساختماني چارو بوخت دي.

موږ یواځې د پاکستان له حکومت څخه غوښتنه نلرو چې افغانان ونه ځوروي، بلکې د افغانستان له حکومت څخه هم غواړو چې پاکستاني کاریګر تنګ نه کړي او له دقیقو اطلاعاتو پرته دوي په بې ځایه توګه ونه ځوروي.

په تیرو وختونو کې د افغانستان حکومتونه او ځیني سیاسي کړۍ او په ځانګړې توګه روس پلوه ډلې (خلق او پرچم) او د "افغان ملت ګوند" د افغانستان او پاکستان له دوستۍ سره مخالف ؤ. او په بهر کې بیا د شوروي او هند دولتونه، او هم په تیرو وختونو کې "عوامی نشنل ګوند" د افغانستان له ټولو حکومتونو سره نږدې اړیکې درلودې او د شاهي، داوود خاني او کمونیستي رژیمونو سره یې ورځ په ورځ زیاتیدونکې نږدې والی لرلو، حتی د مجاهدینو له حکومت سره یې هم اړیکې درلودې او هغه مهال ولسمشر "استاد رباني" یو ځانګړی پلاوي په پېښور کې له ولي خان سره وکتل او خبر یې بیا اکثره رسنیو خپور کړ...

نشنلیانو د بن د غونډې په نتیجه کې رامنځته شوي حکومت سره هم د ملاتړ او پیوستون اعلان وکړ...

خو اوس چې بیا هم افغانان د "عوامي نشنل ګوند" په حکومت کې د پولیسو له خوا ځورول کیږي، دا نو د حیرانتیا ځای دی! آخر دا ځورول او تنګول به څه پایلې ولرې؟

جوته ده چې کرکه زیاتیږي او هغه تاریخي دښمنۍ او ترېګنۍ چې په تیرو لسیزو کې ورته په پراخه پیمانه تبلیغ کیده، ورځ په ورځ قوت مومي او د دوستۍ لپاره لاره بندیږي! نن په افغانستان کې له پاکستان سره دښمني مود شوې ده او په هره خبره او هر ځای کې ورته ګوته نیول کیږي. په دې کې هم هیڅ شک نشته چې د پاکستان ځیني حکومتونو د افغانستان له خلکو سره جفا کړې ده او په تیره بیا د مجاهدینو د حکومت د کمزوري کولو او د حکومت له مخالفینو سره په پراخه او ځرګنده ډول په مرسته کولو سره د سترې تاریخي جفا او جنایت مرتکب شوي دي خو ولسونه او حکومتونه دوستۍ ته اړتیا لري او دواړه باید یو بل ته لاس ورکړي او په اخلاص سره د ورور ګلوۍ لاره خپله کړي، د یو بل پرخلاف له پټو او ښکاره توطیو څخه لاس واخلي: ځکه چې دوستۍ او ورور ګلوی د دواړو ملکونو په ګټه ده او ورته د پرمختګ لارې پرانیزي او دښمنۍ او ترېګنۍ دواړوته ډېرې ستونزې راپیدا کوي او د بد مرغۍ سبب یې ګرځي.

دواړه ولسونه باید له یو بل نه بنې خاطرې ولري او د هغې پرخلاف ترخې خاطرې به د دښمنۍ او یا د دښمنۍ د زیاتیدو سبب شي او دا هغه کار دی چې یواځې د افغانستان او پاکستان دښمنان ترې ګټه پورته کوي

پېښور خو پېښور دئ

خاطراتی از سفر به پشاور

بینوا

گفته شد که وجود امنیت و آرامش در پشاور و دیگر شهرهای پاکستان نسبت به افغانستان، یکی از دلایلی بود که مهاجرین افغانستان علاقه مند به دوام اقامت در آنجا بودند اما امروز وضع کاملاً تغییر کرده و نبود امنیت در پاکستان نسبت به افغانستان بیشتر مشهود است ولی با این همه تعداد قابل ملاحظه از مهاجرین آماده ترک آن دیار نیستند و این دلایل دیگری هم دارد...

اکثر افغان های مهاجر علاقه ودلبستگی خاصی به شهر پشاور دارند و یادها و خاطره هایی از دوران اقامت در آن شهر.

پس از کودتای ثور، به دلیل استبداد واختناق درکشور وحتی پس از ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ برای افغان های مخالف حکومت ها، کشورشان به یک زندان بزرگ تبدیل شده بود و هیچ نوع آزادی سیاسی نداشتند وهمواره تحت تعقیب قرار می گرفتند و به زندان افگنده می شدند....

برای افغان های مهاجر و تازه وارد به پاکستان بسیار عجیب و باورنکردنی بود که در وضعیت نظامی (مارشال لاء) مخالفین حکومت آزادی های نسبی داشتند و عکس های ذوالفقار علی بوتو صدراعظم سابق که تازه اعدام شده بود، در بعضی جاها نصب بود و به صورت آزاد فروخته می شد.

همچنین حزب کمونیست پاکستان و بعضی گروه های طرفدار حکومت جدید افغانستان و شوروی، عکس ها و زندگی نامه نورمحمدتره کی را پخش می کردند و در مغازه ها و غرفه های کتاب فروشی به فروش می رسید...

جنرال ضیاء الحق از رهبران احزاب مخالف دعوت می کرد، تا ریاست حکومت (صدراعظم) را عهده دار شوند. به خان عبدالغفار خان یکی از این رهبران مخالف طیارهٔ اختصاصی می داد تا برای تداوی به هند برود و در نماز جنازهٔ او همراه با صدر اعظم (جونیجو) شرکت کرد... مطبوعات پاکستان کاریکاتور های او را به چاپ می رسانیدند.

بنا براین زندگی در مهاجرت و به دور از گزند استخبارات و تعقب و دستگیری و شکنجه واعدام، یک نعمت بزرگ فراموش ناشدنی بود و هنوزهم تعداد کثیری از افغان هایی که زمان کوتاه و یا دراز در پاکستان مهاجربودند، از آن دوران به خوبی یاد می کنند.

تنی چند از نویسندگان و شعرای که در توصیف شهر پشاور و یا دوران مهاجرت نوشته و چکامه ها دارند و حتی قصیده یی از یک شاعر نیز در این موضوع نشر شده است...

پشاور یک پناه گاه امن برای اکثر افغان ها بوده است، در دوران کمونیست ها برای مجاهدین و در دوران مجاهدان برای کمونست ها و افغان های جنگ زده ودر دوره طالبان برای هر دوگروه همچنان تخته پرش کسانی بود که قصد رفتن به امریکا اروپا استرالیا را داشتند.

در تورخم

در اواخر قوس امسال، با استفاده از رخصتی های سالانه و برای معاینات، همراه با همه اعضای خانواده ام به پشاور رفتم...

در مسیر راه در منطقهٔ تنگی یک تانکر تیل به آتش کشیده شده بود، این تانکر ها برای قوای ائتلاف و ناتو مواد سوخت انتقال می دادند.

حدود دوساعت راه بسته بود و بالاخره درغروب به تورخم رسیدیم.

مسافران باید حدود دو کیلومتر یا کمتر راه را باید پیاده طی کنند تا به خط سرحدی برسند که آن را زنجیر می گویند.

قبل از رسیدن به تورخم، به مدیر یکی از ادارات آنجا زنگ زدیم که به ما کمک کند تا با موتر به زنجیربرویم و پلیس مانع ما نگردد. در اولین مانع به پلیس گفتم که میهمان فلان مدیرهستیم و او اجازه داد و موتر به راه افتید، در مانع دوم بازهم به پلیس گفتم که خانم ها واطفال با ما هستند و مریض هم داریم و میهمان فلان مدیر هستم ولی او مانع شد و خواست تا همان مدیر به او زنگ بزند، خواستم تا به مدیر زنگ بزنیم که یک موتر پولیس آمد و پرسید که چه گپ است موضوع را گفتم و او از پسرم پرسید که از کجا هستید؟

وقتی پاسخ شنید که ازلغمان، گفت که "ترغوندی خه زما وطنداریې!"

همان بود که بدون تکلیف با موتر به زنجیررسیدیم و به ملیشه پاکستانی گفتم که اجازه بدهد خانم ها پیاده شوند، او گفت که نخست از ایستگاه موتر دیگر بیاورید و بعدخانم ها از یک موتر پیاده و سوار موتر دیگرشوند. من خواستم تا درایور افغانی را رخصت نمایم، چون گلبانگ آذان شام بلند گردیده بود .... همان بودکه پسرم از ایستگاه موتردیگر آورد و به راحتی از مرز عبورکردیم .... این همان سرحد تاریخی و جنجال برانگیز است که عبور از آن بسیار سهل و ساده است و جز در موارد خاص دوروازهٔ آن به روی خاص و عام باز است و به پاسپورت و ویزه نیاز وجود ندارد، این ویژگی تاریخی کاملا منحصر به فرد است.

در مورد عبور از این مرز فقط دوخاطره را ذکر می نمایم:

در سال ۱۳۷۱ یا ۱۳۷۲ بود که در جمع هیات پوهنتون دعوت و جهاد که برای انتقال پوهنتون به کابل آمده بودیم، دوباره به پشاوررفتیم و این زمانی بود که جنگ در پایتخت میان گروه های مخالف دولت اسلامی جریان داشت و وضع امنیتی راه نیز اطمینان بخش نبود، زمانی که موتر از مرز گذشت، معاون علمی پوهنتون و رئیس هیات، دست های خود را بلند کرد و گفت: "الحمدالله چی د مسلمان به گولی و نه لگیدو"

و یک خاطره از بهار سال ۱۳۷۶ که تازه از ماموریت آسترالیا برگشته بودم در آنجا مستشار سفارت افغانستان بودم، و به دلیل مریضی دخترم که درکابل مقیم بود و به معاینات و تداوی درازمدت نیازداشت از سفارت پاکستان در کنبرا ویزای کثیرالمسافرت شش ماهه دریافت کرده بودم. زمانی که به سر وضع مرتب می خواستم وارد خاک پاکستان شوم، ملیشهٔ سرحدی مانع شد و تقاضای به اصطلاح شیرینی کرد!

گفتم که پاسپورت دیپلوماتیک و ویزایی کثیرالمسافرت دارم و زمانی که به جیب دست بردم تا پاسپورت را بیرون کنم، او مانع شد و گفت از شما پاسپورت نخواسته ام و نیازی به آن نیست فقط دوصد روپیه شیرینی بدهید و وارد شوید! گفتم که جای شرم است که از یک دیپلومات رشوه مطالبه می کنید و من که پاسپورت و ویزه دارم و به صورت قانونی وارد پاکستان می شوم، چرا پول و رشوه بدهم! اضافه کردم که من به افسر شما شکایت می کنم...

ملیشه درجواب گفت که برای آخرین بار می گویم که سی روپیه بدهید ورنه به آنجا که افسری ما اتاق دارد، بروید وشکایت کنید!

اکنون با خود فکرکنید که رفتن به آن بلندی ارزش سی روپیه را ندارد؟

خندیدم و پول را دادم و گذشتم

ادامه دارد

دولت آقای کرزی تحت شدید ترین ...

هیلاری کلینتن وزیر امور خارجهٔ امریکا یک روز قبل از روی کار آمدن ادارهٔ اوباما در آن کشور، حملهٔ شدیدی علیه حکومت آقای کرزی کرد و آن را حکومت مواد مخدر خواند، وی از فساد موجود در ادارهٔ آقای کرزی به شدت انتقاد کرد.

یاپ دیهوپ شیفر سرمنشی پیمان ناتو نیز حکومت افغانستان را شدیداً مورد حمله قرار داد. وی در مقاله یی که در روزنامهٔ واشنگتن پست منتشر نمود نوشت فساد و بی کفایتی دولت افغانستان، به اندازهٔ شورشیان طالب در بی ثباتی افغانستان نقش داشته است.

وی افزوده است جامعهٔ جهانی برای آن که یک دولت با کفایت در افغانستان به میان بیاید به حد کافی از لحاظ انسانی و مالی تلاش کرده است.

طبق گزارش رسانه ها، جوزف بایدن معاون اوباما در سفر به افغانستان و ملاقات با کرزی نیز انتقادات تندی از وی داشته است.

دولت افغانستان مانند همیشه، این انتقادات را رد نموده عوامل دیگر را در ضعف حکومت و وخامت وضعیت کشور مؤثر دانست.

سخنگوی وزارت امور خارجه علت بحران را در آن دانست که به گفتهٔ وی خارجیان از جنگ سالاران حمایت می کنند. این سخنگو حتا تأثیر طالبان در وضعیت امنیتی و نظامی کشور را از یاد برد.

فکر می شود خارجیان دیگر از بی کفایتی حکومت افغانستان و فساد و کمبودهای دیگر این حکومت به تنگ آمده اند و در صدد یافتن راه حلی در این مورد می باشند.

از نگاه آقای کرزی و تیم برسر اقتدارش در این هنگام که کشور به سوی انتخابات می رود، اخبار ناخوشایندی بوده برنامه های دراز مدت آن ها را برای حکومت کردن در پنج سال آینده تا امید ساخته است.

اما از این که آقای کرزی و همکاران نزدیک وی، به آسانی و راحت از ادامهٔ اقتدار دست بکشند و راه را برای یک انتخاب خوبتر برای مردم باز نشده نشانی دیده نمی شود. آقای کرزی تلاش دارد راه مصالحه با ادارهٔ جدید امریکا را باز کند. همچنانکه در گذشته با انتقادهای شدید از عملکرد قوای خارجی در بمباران مناطق مسکونی، سعی در زیر فشار قرار دادن خارجیان و باز کردن راه گفتگو با آن ها را داشت و یا با دعوت رهبران طالبان برای مذاکره و مصالحه تلاش می کرد حمایت آن ها را جلب کند و با یافتن راه حلی اعتماد از دست رفتهٔ خارجیان را اعاده نماید.

اما فکر می شود، تلاش های حکومت برای قانع کردن مردم افغانستان و خارجیان تأثیری چندانی به جا نگذاشته انتقاد از حکومت آقای کرزی شکل آشکار تری می گیرد.

جنگ غزه پیروزی رسوایی اسرائیل و ...

به باور بسیاری از تحلیل گران حکومت اسرائیل از حمله بر غزه در پی به دست آوردن اهدافی دیگر نیز بوده است، مهم ترین هدف این بازسازی روحیهٔ شکست خوردهٔ ارتش اسرائیل و اسرائیلیان در جنگ ۲۰۰۶ لبنان بوده است، جنگی که برای نخستین بار اسرائیل - پس از جنگ ۱۹۷۳ با مصر - در آن به شکست مواجه شد و برای دولت اسرائیل بحران هایی بزرگ ایجاد کرد، و نیز ائتلاف بر سراقتدار اسرائیل می خواست با کسب پیروزی در این جنگ در انتخابات ۱۰ فبروری آرایی بیشتر را به دست آورد.

اما اسرائیل با انجام این جنایات بشری و به کار بردن سلاح های ممنوع، در این جنگ به هیچ یک از اهدافش دست نیافته است. بلکه اسرائیل با روبه روشدن با مقاومت دلیرانهٔ مجاهدان فلسطینی طعم تلخ شکست را پس از جنگ لبنان ۲۰۰۶ دوباره چشید، قدرت نظامی حماس را نتوانست درهم بکوبد و تشکیلات سیاسی آن را درهم ریزد و از پرتاب موشک های آن به داخل اسرائیل جلوگیری کند، چون پرتاب موشک های حماس پس ازاعلام آتش بس یک جانبه از سوی اسرائیل نیز دوام کرد.

میزان محبوبیت حماس اکنون نه تنها در میان فلسطینیان افزایش یافته بلکه در سراسر جهان به حماس به عنوان مدافع مردم در برابر تجاوز و جنایت ضد بشری به چشم احترام نگریسته می شود. در سراسر جهان مردمان انسان دوست و ضد جنگ در حمایت از فلسطینیان دست به تظاهرات زدند و به عنوان اعلام همبستگی با مردم فلسطین دستمال های نیروهای حماس را برگردن آویختند.

اسرائیل که با مظلوم جلوه داد یهودیان در اثنای جنگ جهانی دوم به اشغال فلسطین اقدام کرده بود، درحمله برغزه به حدی جنایت کرده است که دیگر هرگز نمی تواند نامی از مظلومیت تاریخی یهودیان بگیرد. جنایت اسرائیل درغزه به پیمانهٔ ضد بشری و هول انگیز است که دبیر کل سازمان ملل متحد بان کی مون پس از دیدار غزه در وصف آن گفت که قادرنیست این جنایات را بیان دارد و تنها می تواند زشتی آن را درک کند.

فظاحت جنایات اسرائیل در این جنگ حتی گویندهٔ تلویزیون اسرائیل را در اثنای خواندن اخبار جنگ به گریه واداشت و دختری یهودی را وا دارکرد تا به عنوان برائت از جنایات اسرائیل گذرنامهٔ اسرائیلی اش را در برابر دید جهانیان آتش بزند.

اسرائیل می خواست با حذف و یاتضعیف حماس راه را برای به دست آوردن بسیاری از مقاصدش در تعامل با سران دولت خود گردان فلسطین هموار کنند، اکنون ناگزیر است که به گونه یی به بسیاری از خواسته های حماس تن در دهد و برخی از کشورهای عربی نیز که با حماس روی خوش نشان نمی دهند ناگزیرند آن را تحمل کنند.

لذا اسرائیل در این جنگ جز این که به پروندهٔ جنایاتش بیفزاید و رسوایی بیشتر کسب کند چیزی به دست نیاورده است.

نخبگان افغانستان نامه یی را در محکومیت ...

ولی ایالات متحدهٔ امریکا که خود را در تامین صلح و امنیت جهانی مسؤول می شمارد، با این جانبداری از اسرائیل به چه هدفی می خواهد دست یابد.

اگرکسانی خواسته باشند، با توسل به بمب وراکت آزادیخواهی و استقلال طلبی را نابودسازند، درشناخت گوهرانسان به خطا رفته اند، چه تا آدمی است با این سرشت خواهد بود. بنابراین آنچه درسه هفتهٔ اخیر درغزه می گذرد، وجهان نظاره می نماید، نماد کاملی از مایوسی بشریت و ناکامی برنامه های انسان دوستانه در زمانهٔ ماست که بدون تردید جریان های سیاسی را یک بار دیگر پس از دوره یی کوتاه به سوی نظامی گری و حرکت های مسلحانه در امر براندازی نظام های حاکم سوق می دهد.

همه می دانند که حماس یک سازمان سیاسی محض نیست، بل جنبش فراگیر مردمی است که با خدمت گذاری به مردم فلسطین رای آن ها را به دست آورده است؛ لذا سرکوب حماس در حقیقت سرکوب دموکراسی و اعدام انتخابات است. وقتی اسرائیل برای نابودی یک نظام منتخب آستین بالا می زند، امریکا وانگلیس از آن پشتیبانی می کنند. چگونه می توان بر ادعاهای آن ها در باب دموکراسی، انتخابات وحقوق بشر باور داشت. وقتی اسرائیل نمی تواند با یک مردمی کنار آید، و به بهانه های واهی زمانی به محاصره و تحریم آن مبادرت می ورزد و زمانی هم به تصفیهٔ قومی ونژادی می پردازد، چه راهی غیر از پیوستن به گروه های مخفی تروریستی باقی می ماند؟

این قطع نامه توسط حاضران مجلس امضا شد و فیصله صورت گرفت تا امضای کسانی که با محتوای آن موافق باشند گرفته شود.

گردهمایی تقبیح از حملات وحشیانه اسرائیل برغزه با دعا مولانا قیام الدین کشاف معاون شورای علمای افغانستان پایان یافت.



حماس و "حماسه بزرگ تاریخ" و تراژیدی "کجاست خانه من"

سید عنایت الله شاداب / استاد دانشکدهٔ شرعیات

جنبش های اسلامی در سراسر جهان اسلام در تایید از مقاومت فلسطین راه پیمایی های گسترده را براه انداخته و شعارهای برخاسته از اراده پولادین ملت های مسلمان در پیشتبانی از جانبازان غزه را با دادن خون و پول، به نمایش گذاشتند.

مقاومت سه هفته یی پروردگان دامان فلسطین و سرزمین معراج، در برابر پنجمین قدرت نظامی برخوردار از تائید ابرقدرت های غرب در جهان، حماسه یی است به بزرگی امواج اراده های آزادیخواهان که صفحه نوی را در تاریخ مبارزات ملت های مسلمان باز کرده است.

این مقاومت جانبازانه مجاهدان فلسطین به رهبری جنبش حماس، نه تنها معادله تکافوی قوا در کارزارهای زورآزمایانه معاصر را به چالش گرفته و به ریش دراز و کودنی آن خندید که بار دیگر مبارزه حق و باطل را در افق تاریخ آزادیخواهانه ملت بازتاب داده و جلوه گری آن را بیشتر از پیشترها مشعشع و درخشان ساخت.

مغز های تیوری پرداز در عرصه های نظامی، همواره برود باخت بازیگران هرکارزاری را، بر معیار تکافوی قوا به بررسی گرفته وبر پیروزی طرف هایی تکیه می کنند که کفه امکانات مادی آنان سنگین تر است.

البته معادله حق و باطل که بربنیاد تائید ملت ها و توده مردمی ارزیابی می گردد آبشخور اصلی نیرومندی آن را، طوفان اراده ملت های در بند بی عدالتی ها، تشکیل می دهد.

در این جاست که ما به رمز شعار"حسبنا الله و نعم الوکیل" (خدا چاره ساز ماست و چه خوب وکیل وچاره ساز است خدا) را درک می کنم که هر مرد و زن، خرد و بزرگ، غزه آن را هنگام قرار گرفتن در برابر کامره های تلویزیون به زمزمه می گیرد.

آری! رمز حقیقی حماسه آفرینی های حماس هم، در همین نکته مضمر است که جهان اسلام و دنیای آزاد را درسطح ملت ها در عقب خود کشانده است وهمین مقاومت جانبازانه جانبازان فلسطینی های اسلام گراست که رهبری بر حاشیه رانده شده حماس را در مرکز قرار داده و رهبری برخاسته از معادله تکافوی قوا را به حاشیه برده است.

اما تاثیر این مقاومت غزه در سطح جهان عرب و اسلام و بلاک های قدرت های جهانی با آغاز مقاومت که در پی دوران به اصطلاح "تهدئه" که شعار"وداع یا ذلت" است، راکت های خود را به سوی ساحه های فلسطینی تحت اشغال اسرائیل آغاز کرد.

در سپیده دم این مقاومت، واکنش های مختلفی در برابر آن بروز داده شد، برخی این عمل مقاومت به رهبری حماس را یک کنش و عمل جنگ افروزانه وانمود ساخته و حماس و شاخه های جهادی فلسطین درغزه را مسبب این همه نا آرامی ها و ویرانی ها و تلفات جانی خوانده و مسؤولیت همه این نا بسامانی ها را بدوش حماس انداخته و در بیانیه ها خویش بعد از تقدیر از مقاومت، صراحتا گفته شد که باید مسؤولیت آنچه را که برملت فلسطین وارد شده جواب گو باشد.

جنبش های اسلامی در سراسر جهان اسلام در تایید از مقاومت فلسطین راه پیمایی های گسترده را براه انداخته و شعارهای برخاسته از اراده پولادین ملت های مسلمان در پیشتبانی از جانبازان غزه را با دادن خون و پول، به نمایش گذاشتند. ملل متحد از طریق همایش شورای امنیت، عملیات آدم کشانه اسرائیل را محکوم کرده و کشورهای غربی هم موضعگیری های متفاوتی از خود نشان داده اند.

البته موضعگیری غیورانه ترکیه در آمد وشد های وی و دید و دادید او با حامیان اطراف مقاومت و موضعگیری انسان دوستانه هوگو چاویز رئیس جمهور وینزویلا در قطع رابطه سیاسی اش با اسرائیل، همه نمادهای است از وجدان های بیدار در سطح رهبری های جهان اسلام وجهان آزاد که حق انسانی خویش را به گونه دزگونه ها در باره مقاومت فلسطین را ادا کرده اند.

در سطح جهان عرب از ریاض گرفته تا قطر و شرم الشیخ و کویت، همایش های از سران عرب و قسما جهان اسلام برگزارشد که در راس آن ها می توان از کنفرانس سران کشورهای عربی در دوحه پایتخت قطر یادکرد.

درهمایش قطر بیانیه قطر ورئیس جمهور سوریه، بیانیه های بودند بازگو کننده آرمان های مقاومان فلسطین و مسؤولیت کشورهای عرب و مسلمان در برابر "مقاومت" که با طرح صندوق کمک برای غزه قطع روابط سیاسی با اسرائیل پایان یافته و برای این در جهان عرب شعار "زنده باد امیر" در پیوند این اقدام غیورانه آن، طنین انداز شد. البته آن چه به حیث یک نتیجه از این اجتماعات و همایش ها می توان بدست آورد این است که عامل اصلی در این همایش های سران کشورهای عربی همانا بسیج توده های مليونی مسلمان و براز نفرت از موضعگیری های ذلیلانه آن ها به گونه خاص و کشورهای مسلمان به گونه عام بوده و پیام مشخص همانا سیلی روی است برای تمثیلگران دروغین آزاده آنان.

آیا کشورهای عربی درس از این مقاومت خواهند گرفت و مواضع ذلیلانه قبلی خود را در برابر اسرائیل را تعویض خواهندکرد؟

اکثرکارشناسان در جهان عرب بدین باورند که هنوزهم بحران اختلاف برجهان عرب در سطح رهبری ها حاکم بوده و تا حال هم از نشه تابلیت های مخدره تکافوی قوا به هوش نیامده اند.

اسرائیل با ملاحظه این وضع تفرق و چندپارچگی رهبری در کشورهای عربی از موضع قدرت حرف زده و در رسانیدن کمک ها به غزه نظارت و دور گذاشتن حماس از این پروسه را عنوان می کند.

گرچه بیانیه خادم الحرمین پادشاه عربستان سعودی در کنفرانس کویت حاوی نکات خود باورانه و برخاسته از خواسته های ملت های عرب بوده و هشداری نسبت به اسرائیل به شمار می رفت آن جا گفته بود:"این ابتکار صلح بر سر میز دوام همیشه نخواهد کرد و گزینه صلح هم همواره باز نمی ماند".

به باورکارشناسان در این بیانیه هشداری بود به اسرائیل و حامیان آن که اگر سیاست کنونی اسرائیل و حامیان آن ادامه یابد، دیگر طرح شعار صلح، طرحی خواهد بود فاقد معنی.

اما با وصف همه این ها، بازهم دیده می شود که مشروعیت مردمی و مبارزاتی حماس در دفاع از حق فلسطینیان در میهن شان، که جایگاه مرکزی برای وی داده است. زیر سوال برده شده و رهبری هایی را در مرکزیت تصمیم قرار می دهد که براساس معادله تکافوی قوا مطرح گردیده اند.

ولی آیا راه اندازی چنین راهکاری در ایجاد صلح و ثبات در منطقه نقشی را بازی خواهد کرد؟ یقینا با قرائینی که از نقش اراده توده ها در تعیین سرنوشت شان در طول تاریخ به ملاحظه می رسد، پاسخ این قول منفی خواهد بود. ومقاومت سرنوشت سازانه غزه آغازی خواهد بود برای قیام توده های محکوم در راستای تعین سرنوشت شان.

اما تراژیدی "خانه من کجاست" سوژه یی است انسانی که همان گونه که آن دوشیزه ده ساله کردی در ترانه خود و معیت برادر هشت ساله و پدر خویش تحت عنوان غزه، آن را به تصویر کشیده و قلم سازان و هنرمندان افغان و مسلمان ما می توانند وضع گریه بار نوباوگان افغان و غزه را در یک فلم هنری تحت کار و به نمایش بگذارند.

قوام دموکراسی

در ایالات متحده امریکا

آیا ممکن خواهد بود در افغانستان، یک شهروندتاجیک، هزاره، ازبک و یا نورستانی به حیث رییس جمهور کشور ما بر گزیده شود؟ بگذریم از اینان آیا مکتب رفتگان کشور ما حاضر خواهند شد، تا به نخبگان آن «دیگران» رای بدهند. در لحظاتی که ذهن من مشغول طرح این پرسش های بیهوده بود، به آن نخبگانی اندیشیدم که در کشور من با صدور فرمان و دستورالعمل، اجازه نمی دهند به زبان مادری ام، اشیا و افراد را صدا کنم

پختگی ای که موجودیت فرهنگ فردگرا و باور به فردیت انسان، شهروندان را از رعیت محض متفاوت می سازد و پیوند اصلی میان شهروندان بیشتر باور به نظام سیاسی ایالات متحده است و نه به ادیان و نژادها. سخن اوباما که قدرت ملت امریکا در این نهفته است که این ملت مرکب است از مسیحیان، مسلمانان، یهودان، هندو ها و آنانی که دین ندارند، به خوبی فلسفه ی اصلی موجودیت ایالات متحده را بازتاب می دهد؛ توانایی در تنوع و دلبستگی به زیبایی بی پایانی که در تنوع نهفته است. بازتاب این واقعیت را که در یک فرایند ثبات، جامعه سیاسی و مدنی در ایالات متحده شکل و قوام گرفته است، می توان در گزینش باراک اوباما به صفت رییس جمهوری آن کشور مشاهده کرد.

سال ها پیش فلمی دیده بودم از یهودی متاهیم، در باره ی تاریخ موسیقی. بازرگانان برده، جوانان ستبر و بلند بالای رنگین پوست، را شکار کرده بودند و در عرشه یک کشتی به زنجیر بسته و برای فروش به امریکا می بردند.

وانان در زنجیر با صدای حزینی ترانه های محلی را زمزمه می کردند. صدها هزار سیاه پوست در کشتزار های پنبه و مزارع امریکا جان دادند. بنای عظیمی را که دیروز اوبامای سیاه پوست در سکوی آن سوگند وفاداری به قانون اساسی کشورش یاد کرد، نیز همین لشکر های برده ایجاد کردند.

دیروز، چه فرخنده آغازی بود برای نسل به سال رسیده ای من که سوسیالیزاسیون سیاسی مان را در دفاع از جنبش مدنی سیاهان امریکا، جنبش صلح علیه جنگ ویتنام و خروش مردم هند و چین آغاز کردیم. ای دریغ ! بهادرانی که در راه تحقق این آرزو ها جان دادند، دیروز جای شان خالی بود.

شب وقتی مراسم سوگند اوبا ما را در تلویزیون می دیدم، حس عجیبی داشتم. جدال دایمی که هرگز از سرم دست بر نداشته است بار دیگر آشکار شد. از خود پرسیدم که آیا چنین حادثه ی انقلابی در قاره اروپا، زادگاه دموکراسی ممکن و میسر خواهد بود؟ آیا ممکن خواهد شد تا فرزند یک پاکستانی در انگلستان، فرزند یک ترک در آلمان و یا فرزند یک الجزایری در فرانسه از طریق رای اکثریت مردم به مقام ریاست جمهوری دست یابند؟ اصولا طرح این سوال شرمنده ام ساخت. آیا ممکن خواهد بود در افغانستان، یک شهروند تاجیک، هزاره، ازبک و یا نورستانی به حیث رییس جمهور کشور ما بر گزیده شود؟ بگذریم از اینان آیا مکتب رفتگان کشور ما حاضر خواهند شد، تا به نخبگان آن «دیگران» رای بدهند. در لحظاتی که ذهن من مشغول طرح این پرسش های بیهوده بود، به آن نخبگانی اندیشیدم که در کشور من با صدور فرمان و دستورالعمل، اجازه نمی دهند به زبان مادری ام، اشیا و افراد را صدا کنم. این در حالی است که من از هیچ قاره ای دیگری نیامده ام و با این نخبگان ریشه در یک فرهنگ و حتا یک تبار دارم. ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا! در سرزمین من دیگراندیشان به زنجیر کشیده می شوند و هندوان و سک ها که باشندگان و صاحبان این سرزمین اند، به گونه ی نظام مند مورد ستم و تجرید و تهدید قرار می گیرند و در آنجایی دیگر، شایستگان اقلیت ها بر سکوی قدرت برای خدمت به میهن شان تکیه می زنند .

آقای اوباما، مستر پرزیدنت!

انتخاب شما را برای مردم کشور شما و همه آنانی که خواهان صلح و عدالت در این جهان اند، تبریک، می گویم. این خوشنودی یک وزیر خارجه نیست؛ خوشنودی یک مبارز حقوق بشری و وفادار به ارزش های شهروندی

افغانستان و ضرورت بازنگری در جنگ با تروریزم

حمید هامی



مأموریت ناتو در افغانستان همپا با سایر ویژگی هایش، توانایی این سازمان در عرصهٔ کارآیی های نظامی و سیاسی را برای نخستین بار در خارج از اروپا به سنجش می گیرد. منظور اساسی از این مأموریت، برگشتاندن ثبات و حمایت از بازسازی در افغانستان است. به گفتهٔ منابع رسمی، آیساف من حیث یک مأموریت تحت رهبری ناتو، با چالش هایی از قبیل کمک برای بقای دولت، استعمال توانایی های نظامی در یک کشور دور افتاده با اراضی ناهموار، اعمار مجدد ویرانی های ناشی از جنگ و مشکلات ناشی از تجارت مواد مخدر مواجه بوده است.

آیساف که اکنون تحت فرماندهی ناتو فعالیت می کند، به اساس قطعنامهٔ ۱۳۸۶ مؤرخ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل، ایجاد شده است. ساحهٔ فعالیت آیساف در ابتدا محدود به کابل بود، اما به اثر تقاضای حکومت افغانستان، این مأموریت با اشتراک ناتو، به مناطق دیگر نیز گسترش یافت.

در اگست ۲۰۰۳ ناتو فرماندهی آیساف را به عهده گرفت. قطعنامهٔ ۱۷۷۶ مؤرخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۷ ناتو را در قسمت خلع سلاح، کمک به اصلاح سیستم قضایی، آموزش اردو و پولیس ملی، تأمین امنیت انتخابات و مبارزه با تولید مواد مخدر مسئولیت می دهد. ولی این قطعنامه راهکاری را که ناتو چگونه موارد یادشده را در عمل پیاده کند، مشخص نمی سازد و قوای ائتلاف که کشورهای غیرناتو مثل استرالیا، نیوزیلاند، سویدن و اردن نیز عضویت آن را دارند، در مشوره با همدیگر و مشوره با حکومت افغانستان، پالیسی عملکرد یا راه و روش رسیدن به هدف را انتخاب می کنند.

برای تحت پوشش قراردادن تمام کشور، ناتو چهار مرحله را پشت سر گذشتاند. در مرحلهٔ اول ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ ناتو به مناطقی در شمال کشور گسترش یافت که قوای آلمانی و فرانسوی حضور بیشتر در این مناطق دارند.

در ماه می ۲۰۰۵ مرحلهٔ دوم گسترش ناتو با توسعهٔ ساحهٔ فعالیت در غرب کشور، آغاز یافت. قوای ایتالیایی و هسپانوی هستهٔ فعالیت ناتو در آن مناطق را تشکیل می دهد. دیده می شود که ساحهٔ فعالیت در مراحل اولیه به مناطقی که از ثبات بیشتر برخوردار بودند، گسترش یافته است.

مرحلهٔ سوم در جولای ۲۰۰۶ با گسترش ساحهٔ فعالیت ناتو، با جابجایی قوای ایالات متحده، بریتانیا، کانادا، دنمارک و هالند در مناطقی در جنوب کشور، آغاز یافت و مرحلهٔ چهارم و یا نهایی در اکتوبر ۲۰۰۶ با تحت پوشش قراردادن تمام کشور مشخص گردید.

مراحل سوم و چهارم، هدفی مشترک داشتند: گسترش کلی ساحهٔ فعالیت به شکلی که حاکمیت دولت در مناطق جنوبی، جنوب شرقی و جنوب غربی کشور تأمین شود.

اما آیا قوای ائتلاف حتا پس از گسترش ساحهٔ فعالیت در برآورده ساختن اساسی ترین نکات مأموریت خویش، کامیاب بوده است؟

کوتاهترین پاسخ به این پرسش «نه» است. شدت گرفتن حملات طالبان به بالاترین سطح آن پس از ۲۰۰۱، پاگرفتن نیرو های طالبان در جنوب و مناطقی در نزدیکی پایتخت به شمول وردک، غزنی و لوگر و حتا ولسوالی های سروبی و تگاب در شمال کابل، نشان می دهد با آن که هنوز هم طالبان تهدیدی جدی در بر انداختن حکومت به حساب نمی آیند، ولی جامعهٔ جهانی حداقل در جلوگیری از گسترش ساحهٔ فعالیت طالبان و تأمین حاکمیت دولتی، ناکام بوده است.

آیساف مأموریتش برای بازسازی در افغانستان را در چوکات تیم های بازسازی ولایتی یا PRT گسترش داد. تیم های بازسازی ولایتی متشکل از افراد نظامی و غیر نظامی بوده و تفاوت های قابل ملاحظه یی بین عملکرد و ساختار ۲۶ تیم پی آر تی- کشور های عضو پیمان ناتو- وجود دارد. با آن که مقامات ناتو، تیم های پی آر تی را مهمترین اقدام قوای ائتلاف برای آوردن ثبات و توسعهٔ اقتصادی می دانند؛ ولی نحوهٔ فعالیت این تیم ها مورد انتقادات متعددی قرار دارد.

در حالی که بازسازی و مقابلهٔ مسلحانه با تروریزم دو شیوهٔ جداگانهٔ عملکرد برای رسیدن به یک هدف است: پی آر تی هایی که برای این هدف کار می کنند، نه یک تیم نظامی اند و نه هم یک تیم غیرنظامی و گاه هم هردوی آن اند. با آن که برای بازسازی سازمان های متعدد غیرحکومتی در افغانستان فعالیت دارند، ایجاد پی آر تی ها سبب گردید تا تمرکز توجه از مقابلهٔ نظامی با تروریستان به مواردی مثل بازسازی که می توانست بخشی از مأموریت سازمان های غیر حکومتی باشد، معطوف گردد و از سوی دیگر این امر سبب شد که جان کارمندان ملکی سازمان های غیرحکومتی نیز به دلیل اختلاط نظامی ها با ملکی ها، به خطر بیفتد. تیم های پی آر تی، به اصطلاح معروف افغانی نمونهٔ خوبی اند از «هم از رفتار خود و هم از رفتار کبک ماندن!».

سالها پس از آغاز عملیات قوای ائتلاف بین المللی بر ضد تروریزم در افغانستان، به نظر می رسد که ضرورت «تغییر در راهکار و شیوه های مقابله» با جدیت بیشتری مطرح است. هرچند این زمزمه ها نخستین بار از سوی دولتمردان در افغانستان و آن هم به گونهٔ جدیتر آن بلند شد، ولی حالا بلند پایه ترین مقامات کشور های کمک کننده به افغانستان، مخصوصاً ایالات متحده و بریتانیا، در رابطه به نیازمندی در تجدید نظر بر گونهٔ اجرای مأموریت در افغانستان، نظر مساعد دارند. ولی هنوز هم شیوهٔ معینی مورد پذیرش قرار نگرفته است.

باراک حسین اوباما رئیس جمهور منتخب از ازدیاد نیروها در افغانستان سخن می گوید، و دیوید میلیبند وزیر خارجهٔ بریتانیا در روزنامهٔ گاردین ۱۵ جنوری ۲۰۰۹ عبارت «جنگ با تروریزم» را به دلایلی که به گفتهٔ او گاه منجر به متحد ساختن گروه هایی با انگیزه ها و اهداف مختلف در زیرچتر واحد می شود، نادرست می خواند. او لشکر طیبه در پاکستان، حزب الله در لبنان و گروه های شیعه و سنی در عراق را نمونه گرفته و می گوید که عبارت «جنگ با تروریزم» این اشتباه را ایجاد می کند که گویا تمام این سازمان ها به نحوی با اسامه بن لادن ارتباط دارند و گمان می رود که نخستین و عمده ترین راه پرداختن به مشکل تروریزم، جنگیدن با آن است؛ در حالی که اقداماتی مثل قدغن کردن تمویل و تجهیز تروریستان می تواند مؤثرتر باشد و بهترین پادزهر برای تروریزم، تقویت مشارکت و همکاری در میان نیروهایی است که بر ضد تروریزم در سطح جهانی می رزمند.

...اما بر اساس تصورات فوق، اگر عبارت «جنگ با تروریزم» را به «استحکام صلح و ثبات» تغییر داده و تعداد نیروها در محلات غیرمؤثر را نیز دو چند بسازیم؛ مگر می شود که بدون تغییر در راهکار، انتظاری ویژه داشت؟

افغانستان را هیچ کسی بهتر و بیشتر از مردم آن نمی شناسد. از همین رو، معقولترین پیشنهاد برای تغییر در راهکار جنگ با تروریزم در افغانستان، همان است که مردم افغانستان ارائه می دهند و بیش از دو سال می شود که حکومت روی آن تأکید دارد: تغییر در شیوهٔ جنگ با تمرکز بیشتر روی پایگاه های تمویل، تجهیز و آموزش تروریستان، و جابجایی مجدد نیروهای ناتو- آیساف در مناطقی که ضرورت بیشتر به آنها محسوس است.

به گفتهٔ یک جنرال اردوی سابق افغانستان، جنگ کنونی در کشور نه جناح دارد، نه جبهه و نه هم عمق جبهه. تروریستان ابتکار جنگ را به خاطری به دست دارند که زمان و مکان جنگ و حتا شیوهٔ حمله را آنان انتخاب می کنند و جنگ و گریز به گونهٔ کنونی آن، می تواند در درازمدت برای نیرو های منظم جامعهٔ جهانی، خسته کن و پرهزینه تمام شود.

اما ممکنست جابجایی مجدد نیروها، طالبان و القاعده را با تهدیدی جدی متوجه بسازد. اگر بخش اعظم نیروهای بین المللی در شاهراهی جابجا شوند که از تورغندی آغاز یافته و از طریق هرات، کندهار، کابل و جلال آباد به تورخم می انجامد: نه تنها یک مسیر عمدهٔ آمد و شد کاروانهای اقتصادی- تجاری مصئون می شود، بلکه سبب خواهد شد تا جنگ نیز جناح و جبهه پیدا کند. با این حال، نیرو هایی که از پیش در سرحدات و نقاط حساس شهرها وجود دارند، می توانند مناطقی را که در میان شاهراه تورغندی-تورخم و نقاط سرحدی واقع می شود، محاصره کنند.

حالا کدام شیوه مؤثرتر است، جابجایی مجدد نیرو ها بر حسب ضرورت و تأمین مصؤونیت شاهراه عمدهٔ اقتصادی یا گشتزنی در داخل شهرها که به ده ها مورد حملهٔ انتحاری و تلفات ملکی را سبب می شود؟

مردم افغانستان گاه از خود می پرسند که نیرو های بین المللی چه علاقمندیی به جابجایی در مراکز شهرها و حتا در پایتخت به محلاتی مثل وزیر اکبر خان و شهرنو دارند؟ اینان چه علاقمندیی دارند که شهرنو، وزیر اکبر خان، مکروریان و حتا داخل بازارهای عمده را گشتزنی می کنند؟

اگر این نیروها در مسیر شاهراه یاد شده جابجا شوند و اجرای عملیات در آن سوی شاهراه، در داخل قریه ها و ولسوالی ها را نیروهای آموزش دیدهٔ اردوی ملی به عهده بگیرند و نیروهای بین المللی صرفاً حمایت عقب جبهه به شمول خدمات لوژستیک، خدمات طبی و آتش ثقیل و حملات سنجیده شدهٔ هوایی را- آن هم حسب تقاضای نیرو های اردوی ملی- مهیا کنند؛ نه تنها از تلفات ملکی و تلفات قوای بین المللی کاسته می شود، بلکه به دلیل آشنایی اردوی ملی با اراضی و همزبانی شان با مردم، همکاری و همسویی مردم هم برانگیخته می شود و از مواجههٔ بیمورد نیروهای بین المللی با مردم که گاه سبب بروز حساسیت ها می شود، کاسته می شود. برعلاوه اگر تطبیق این روش با گشتزنی های هوایی و زمینی در دو جانب شاهراه، همراه باشد از نفوذ افراد طالبان به شهرها در این سوی شاهراه جلوگیری شده و امکان دارد که مسیر اکمالاتی آنان قطع شده و به پیمانهٔ زیاد از قاچاق مواد مخدر نیز جلوگیری گردد.

مأموریت ائتلاف بین المللی در افغانستان، خوب تعریف شده است: کمک به ثبات، بازسازی، تأمین امنیت و حکومتداری خوب؛ ولی برای انجام دادن یک مأموریت، تعریف خوب و مشرح مأموریت با آن می تواند گام نخست باشد، ولی مهمتر از آن، شیوه های رسیدن به هدف یا ستراتیژی است. هیچ مأموریتی نمی تواند بدون اختیار کردن راهکار مناسب، به هدف برسد. درست مانند آن که در طبابت، مؤثریت تداوی عرضی و تداوی مرضی در بهبودی بیماری متفاوت است، در جنگ کنونی، مبارزه در برابر ریشهٔ تروریزم —منابع تمویل، تجهیز و آموزش آن— می تواند زودتر و بهتر منتج به پیروزی شود تا مقابله با تروریستان در دهات افغانستان. بنا، ازدیاد نیروها در افغانستان مگر این که در مناطق مورد ضرورت و برای انجام کارهای لازم جابجا شوند، هیچ کارایی نخواهد داشت. استفادهٔ مؤثر از نیروی کم به مراتب بهتر است از استفادهٔ نامؤثر از نیروی زیاد؛ انچه ما برای رسیدن به پیروزی ضرورت داریم، مؤثریت در استفاده از نیروها و منابع است نه ازدیاد در تعداد آن.

یاپ دیهوپ شیفر سرمنشی ناتو در واشنگتن پوست یکشنبه ۱۸ جنوری ۲۰۰۹، می نویسد که مردم در کشور های عضو ائتلاف بین المللی، تأمین کنندهٔ عسکر و پول برای افغانستان، از خود می پرسند که این عملیات چه مدتی دیگر را در بر خواهد گرفت؟ و چه تعداد زن و مرد جوان دیگر باید در این عملیات کشته شوند؟

...و در اینسو، مردم در افغانستان نیز از این جنگ دوامدار و پراگنده خسته اند. آنان از خود می پرسند که تا چه زمانی، سپر مقابله در برابر تروریزم بین المللی خواهند بود؟

بازی ملامت کردن همدیگر، هیچ دردی را دوا نمی کند. مردم می پرسند در صورتی که شمال و غرب کشور مناطقی امن به حساب می آمد، چرا ناتو در مراحل اول و دوم گسترش ساحهٔ فعالیت خود، به آن مناطق شتافت؟ مگر این امر سبب نشد که طالبان و تروریستان در مناطق جنوب و شرقی فرصت آرایش مجدد را بیابند؟

مردم افغانستان با آنکه از بها و ارزش خون جوانان و سربازان عضو ائتلاف بین المللی آگاه بوده و از آن سپاسگزارند، اما می خواهند بگویند که اگر جامعهٔ بین المللی نخواهد با تروریستان در افغانستان بجنگد، فردا مجبور خواهند بود این کار را در کشور های خود کنند.

باید متوجه بود که افغانستان شکننده تر از آنست که بازی مقصر دانستن همدیگر را تحمل داشته باشد.

مردم افغانستان گاه از خود می پرسند که نیرو های بین المللی چه علاقمندیی به جابجایی در مراکز شهرها و حتا در پایتخت به محلاتی مثل وزیر اکبر خان و شهرنو دارند؟ اینان چه علاقمندیی دارند، که شهرنو، وزیر اکبر خان، مکروریان و حتا داخل بازارهای عمده را گشتزنی می کنند؟

***

مردم افغانستان با آنکه از بها و ارزش خون جوانان و سربازان عضو ائتلاف بین المللی آگاه بوده و از آن سپاسگزارند، اما می خواهند بگویند که اگر جامعهٔ بین المللی نخواهد با تروریستان در افغانستان بجنگد، فردا مجبور خواهند بود این کار را در کشور های خود کنند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ سی وچهارم شنبه ۵ دلو ۱۳۸۷- ۲۷ محرم ۱۴۳۰ -
24 January 2009

جنگ غزه

رسوایی اسرائیل و پیروزی حماس

واقف حکیمی



اسرائیل در ۲۷ دسامبر برغزه حمله کرد و این جنگ بیست و دو روز از طریق هوا و زمین ودریا ادامه یافت.

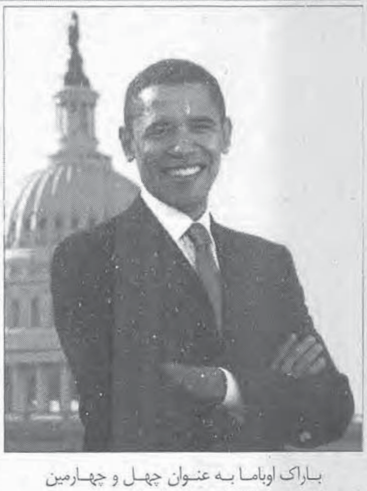
جنگ جنایتبار اسرائیل در غزه بیش از ۱۳۰۰ شهید و بیش از ۵۰۰۰ زخمی از فلسطینیان برجای نهاد. شماربیشتر این قربانیان را کودکان و زنان تشکیل می دهند. براساس آمارها تا کنون میزان خسارت های این جنگ به دوملیارد دلار تخمین شده است و بیش از ۵۰۰۰ هزار ساختمان ویران گردیده است که دراین میان شماری فراوان از ساختمان های مکاتب و مساجد و مؤسسات عام المنفعه شامل آن هاست. ۵۰ هزار نفر در غزه بی خانمان شده و بیش از ۴۰۰ هزارنفر دیگر از دسترسی به آب آشامیدنی محروم شده اند. بیمارستان ها به نقص شدید دارو و وسایل مواجه است و همه مردم غزه از کمبود مواد غذایی رنج می برند.

این جنگ را اسرائیل ظاهراً به هدف سرکوب جنبش حماس و درهم کوبیدن پایگاه ها وقطع موشک های آن به داخل اسرائیل و کاستن از محبوبیت آن در میان فلسطینیان به راه انداخت.

اسرائیل از چندین ماه پیش دست به محاصره غزه زد و راه های مواصلاتی آن رابست تا با به گرسنگی کشاندن مردم در پیش از جنگ به این اهداف به آسانی دست یابد. **ادامه درص۵**

قوام دموکراسی

در ایالات متحده امریکا



نویسنده: دکتر رنگین دادفر سپنتا
فرستنده: مهناز هروی : maynaz_pamiri123@yahoo.com

اشاره: وزیرخارجه دکتر سپنتا به بهانهٔ رئیس جمهور شدن اوباما در این نوشته اشاراتی به مشکل هایی بزرگ بر سرراه حقوق و آرزوهای شهروندی در باب سیاست درکشور ما دارد و از این لحاظ آن را با تشکر از مهناز هروی فرستنده این مقاله به خوانندگان مجاهد تقدیم می داریم.

باراک اوباما به عنوان چهل و چهارمین رییس جمهور ایالات متحده امریکا سوگند یاد کرد. عمدتا انسان ها زمانی به تاریخ می پیوندند که کارنامه و دستآورد های بزرگی از خود برای بشریت به میراث بگذارند. تفاوت میان باراک اوباما و بسیاری از شخصیت های تاریخ در این نهفته است که او در بیستم جنوری ۲۰۰۹ فصل جدیدی از تاریخ بشریت مظلوم را ورق زد. اوباما تنها نامزد دموکرات های امریکا نبود، او پیشنهاد بشریت ترقی خواه، دموکرات و عدالت خواه بود. حضور جوانان بی شمار در گردهمایی های انتخاباتی او نشان و نماد دلتنگی های نسل های آینده در سراسر جهان در برابر ساختار ها و ارزش های فرسوده ی بود که نسل پس از ۱۹۶۸ را در دایره تنگ افسانه های «فرجام تاریخ» (فوکویاما) و «جنگ تمدن ها» (هانتینگتون) به گروگان گرفته بود.

سخن گفتن از پایان تبعیض نژادی در جهان کنونی هنوز اتوپیایی است که باید نسل های زیادی در راستای تحقق آن تلاش کنند. اما دموکراسی نیرومند ترین کشور جهان نشان داد که سرزمین اش قلمرو تحقق اتوپیا های مشخص (آدرنو) است. توانایی دموکراسی بر نظام های رقیب دقیقا در همین است. در حالی که انتقال قدرت سیاسی در نظام های که متولیان آن خویش را صاحب و واجد آخرین حقیقت می دانند، با خون و کشتار و شکنجه ممکن می گردد، دموکراسی زمینه ی انتقال صلح آمیز و با نشاط قدرت سیاسی را از طریق اراده ی آزاد مردم ممکن می کرداند. شهروندان امریکا پس از ۱۷۷۶ بار دیگر نشان دادند که در دموکراسی این کشور نیروی عظیمی از امانسیپاسیون (آزادی رهایی بخش) و گسترش آزادی شهروندان نهفته است. روند خود رهایی در ایالات متحده در واقعیت در پایان جنگ داخلی این کشور آغاز شد، روندی که در مشارکت این کشور در جنگ جهانی دوم علیه فاشیسم و رهایی مردم جهان از آن مصیبت به درجه عالی از دفاع از حقوق بشر رسید. بدون شک دموکراسی ایالات متحده از دید لیبرالیسم سیاسی بر سایر دموکراسی ها تفوق دارد .

موجودیت جامعه مدنی نیرومند، جدایی ای قابل قبول جامعه سیاسی (دولت) و جامعه مدنی نشان می دهد که نظام سیاسی این کشور به پختگی سیاسی بیشتری رسیده است. **ادامه درص۶**

رویدادهای هفته

حمله انتحاری درمقابل سفارت جرمنی در کابل

بامداد روز شنبه ۲۸ جدی انتحار کننده یی خود را در مقابل سفارت جرمنی و پایگاه نیروهای خارجی درساحه وزیراکبرخان شهر کابل انفجار داد که در نتیجه چهارتن کشته وبیش از نوزده تن دیگر مجروح گردیدند. گفته شده در این حمله یک سرباز امریکایی کشته شده و یک شهروند دیگرآن مجروح شده است. طالبان مسؤولیت این حمله را بدوش گرفته اند، بیشتر قربانیان این حادثه شهروندان عادی افغانستان بودند. در عین حال از اثر یک حمله دیگردر ولایت ننگرهار نیز یک غیرنظامی کشته و سه غیرنظامی و سه مامورپلیس مجروح گردیده اند.

حملهٔ برسربازان ارتش ملی در هرات

براثر یک حمله انتحاری روز چهارشنبه ۲ دلو بر یک کاروان نیروهای ارتش ملی در ولایت هرات پنج کشته و مجروح به جا گذاشت، این حمله در برابر فرماندهی قول اردوی ۲۰۷ ظفر در ولایت هرات رخ داد.

منابع امنیتی این خبر را تایید کرده، اما در مورد هویت انتحار کننده و عاملان آن چیزی نگفته اند. براساس یک خبر دیگر انتحار کننده یی دیگری در ولایت بغلان در یک محفل عروسی خود را انفجار داده که گفته می شود به شمول یک مامور ارشد پلیس چند تن دیگر مجروح شده اند.

سال چهارم کاری شورای ملی آغاز شد

سال چهارم کاری شورای ملی روز سه شنبه ۱ دلو با اشتراک مقامات بلند رتبه دولتی، رئیس جمهور، رهبران جهاد آغاز شد، محمد یونس قانونی رئیس مجلس نمایندگان علاوه بر رسیدگی به مشکلات مردم و قانون گذاری، نظارت جدی از کارکردهای حکومت را از اولویت های دور چهارم تقنینی مجلس نمایندگان خواند.

حامدکرزی رئیس جمهور نیز در این محفل سخنرانی کرد، آقای کرزی در مورد فساد اداری در کشور گفت که به همان اندازه که دولت این کشور آلوده به فساد است، منابع کمک کننده بین المللی نیز آغشته به فسادند.

انتخابات ریاست جمهوری به حمایت بین المللی نیاز دارد

کای آیده فرستاده ویژه دبیر کل سازمان ملل در افغانستان روز دوشنبه ۳۰ جدی در نشستی در کابل از جامعه جهانی خواست که از انتخابات آینده ریاست جمهوری این کشور حمایت سیاسی کند.

کای آیده، گفت این انتخابات با چالش های زیادی روبرو است و به حمایت نیرومند بین المللی نیاز دارد.

آقای آیده گفت برای تامین ثبات در افغانستان برگزاری انتخابات اهمیت زیادی دارد.

او همچنین تاکید کرد که انتخابات آینده ریاست جمهوری باید به گونه "آزاد و بی طرفانه" برگزار شود. فرستاده ویژه دبیر کل سازمان ملل خطاب به جامعه بین المللی گفت: "امروز ما از شما می خواهیم که نیازهای انتخابات سال آینده ریاست جمهوری افغانستان را برآورده کنید."

کشته شدن چندین شورشی در کاپیسا

نیروها ائتلاف مستقر در افغانستان با انتشار اعلامیه یی گفته اند که روز دو شنبه ۳۰ جدی در جریان چندین عملیات ۲۰ تن شورشی را بشمول ۲ فرمانده آن ها کشته و۱۱ تن دیگر انان را بازداشت نموده اند.

در خبرنامه این نیروها آمده است که در عملیات دیگری در ولایت کاپیسا، یک فرمانده مشهور طالبان بنام ملاپتنگ را با ۱۸ تن شورشی دیگر کشته شده اند. در اعلامیه آمده است که ملا پتنگ با فرماندهان ارشد طالبان در داخل و خارج از افغانستان در تماس مستقیم بوده و دساتر آنان را عملی مینمود. این فرمانده طالبان در بسیاری از حملات خرابکارانه سهیم بوده است.